

انتقال محکومین به حبس؛ از شرایط تا خلأها و راهکارها

راضیه بختیار نصرآبادی | دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و
الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
محمدعلی اردبیلی* | استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه
شهیدبهشتی، تهران، ایران

چکیده

امروزه شیوه‌های ارتکاب جرایم و اقدامات مجرمانه از رویکرد سنتی و محدود خود خارج شده و ابعاد بین‌المللی و فراملی آن گسترش یافته است، به طوری که در اغلب موارد سیاست‌های تقنینی و قضایی داخلی کشورها نتوانسته است جواب‌گوی مشکلات موجود باشد و این امر نیازمند همکاری کشورها در ابعاد مختلف قضایی است تا اهداف و مبانی مورد نظر حقوق کیفری به خوبی محقق شود. یکی از مهم‌ترین مصادیق همکاری قضایی کشورها «انتقال محکومین به حبس» است که نقش مهمی را در تحقق عدالت کیفری و حمایت از حقوق محکومین و اتباع کشورها در سطح فراملی ایفا می‌کند. در واقع انتقال محکومان به حبس، به عنوان ابزاری در جهت انتقال محکوم‌علیه از کشور بیگانه به کشوری که وی با آن از نظر مؤلفه‌های تابعیت یا اقامتگاه ارتباط دارد، پیش‌بینی شده است. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکردی کاربردی ضمن تبیین و تحلیل کلیاتی در باب انتقال محکومین به حبس، شرایط لازم برای اجرای آن را نیز بررسی نموده و نهایتاً به تحلیل و تشریح خلأهای این جلوه از همکاری قضایی بین‌المللی در نظام حقوقی کشورمان و راهکارهای مطروحه در این باب خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: انتقال محکومین، تابعیت، اقامتگاه، حبس، حمایت از اتباع

مقدمه

در جهان کنونی که شاهد توسعه روابط و گسترش مناسبات بین کشورها هستیم و مرزها از میان برداشته شده است، جهان با تسهیلات فراوانی چون توریسم، تجارت، مطالعات، تحقیقات علمی و سایر مسائل و مناسبات بین‌المللی توأم است. فلذا ایجاد ارتباط بین کشورها در ابعاد مختلف اجتناب‌ناپذیر است و اوضاع و احوال حاکم بر کشورها و دنیای متمدن کنونی ایجاب می‌کند که کشورها جهت رفع مسائل و مشکلات خود به تعاون و معاضدت با یکدیگر بپردازند (عباسی، ۱۳۷۳: ۱۵۳).

امروزه همکاری قضایی میان کشورها امری اجتناب‌ناپذیر است، زیرا مراودات میان اتباع کشورها بسیار افزایش یافته است. وجود امکانات و تسهیلات در جابه‌جایی و نقل و انتقالات، سفرها و تبادلات تجاری موجب افزایش قابل توجه مراودات میان کشورها شده و ضرورتاً مسائل حقوقی زیادی ایجاد می‌شود که نیازمند همکاری قضایی میان دادگاه‌هاست (شایگان‌فرد و دیگران، ۱۳۹۷: ۳). بر این اساس موافقت‌نامه‌های همکاری‌های قضایی بین‌المللی پیرامون موضوعاتی از قبیل استرداد مجرمان، انتقال محکومان به حبس، همکاری دادگاه‌ها در امور مدنی و امور کیفری صورت می‌گیرند. اما این بدان معنا نیست که همه موافقت‌نامه‌ها لزوماً فقط باید در قالب یکی از چهار مورد فوق‌الذکر قرار گیرند، بلکه بسته به اراده و توافق دولت‌ها ممکن است فقط در مورد استرداد مجرمین یا تنها در مورد انتقال محکومین به مجازات حبس یا در زمینه کیفری یا مدنی و یا ترکیبی از این موارد به شکل یک یا چند سند همکاری تدوین شوند (شریعت باقری، ۱۳۹۳: ۴۱).

در خصوص همکاری‌های قضایی بین‌المللی به ویژه انتقال محکومین به حبس، مبنای قانونی متفاوتی از سوی حقوق‌دانان بیان شده است. اولین مبنا، معاهدات بین‌المللی و چندجانبه میان دولت‌هاست. معاهدات بین‌المللی نه تنها در مورد انتقال محکومان به حبس، بلکه در تمام عرصه‌های بین‌المللی، من حیث مینع و مبنا، به رسمیت شناخته شده است (طعمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۷). دومین مبنا را می‌توان معاهدات و قراردادهای دوجانبه میان دو کشور دانست که بر اساس قرارداد و توافق فی‌مابین در این خصوص عمل می‌نمایند.

مبنای قانونی سوم در خصوص این همکاری میان کشورها، «عمل متقابل»^۱ است. این اصطلاح همان طور که به ذهن متبادر می‌شود، به معنای «اقدام در مقابل اقدام» یا «همکاری به شرط همکاری» است. عمل متقابل موقعی می‌تواند مبنای همکاری باشد که مستند به قانون باشد. یعنی عمل متقابل در قانون داخلی مجاز باشد. استناد به عمل متقابل در جایی کاربرد دارد که معاهدات دوجانبه و چندجانبه نداشته باشیم. کشور ما در حال حاضر تعداد ۵۰ موافقت‌نامه دوجانبه دارد که

1. Countermeasures, reaction

البته در حال افزایش است^۱ و همچنین به تعدادی معاهده چندجانبه ملحق شده است. بنابراین با اکثریت کشورها در بسیاری زمینه‌های راجع به همکاری قضایی هنوز معاهده‌ای نداریم. اما این به معنای عدم امکان درخواست همکاری نیست، زیرا کشورها می‌توانند بر مبنای «عمل متقابل»^۲ با یکدیگر همکاری کنند (شایگان‌فرد و دیگران، ۱۳۹۷: ۴). در این خصوص لازم به ذکر است که روابط بین دولت‌ها گاهی بیشتر و بهتر از وجود قرارداد عمل می‌کند، چراکه ما در مواردی با برخی کشورها قرارداد هم داشته‌ایم اما به خاطر تیره بودن روابط، آن‌ها به قرارداد عمل نکرده‌اند و از آنجا که در حقوق بین‌الملل دادگاهی برای رسیدگی به این نوع شکایت‌ها وجود ندارد، در عمل این نقض قراردادها بی‌جواب می‌ماند. (دل‌افروز و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۱)

بر این اساس و با ذکر این مقدمه، انتقال محکومین به مجازات حبس را می‌توان فرآیندی دانست که گویای تشریح مساعی و تعاون بین‌المللی کشورها در راستای اجرای هر چه بهتر موازین عدالت قضایی و حمایت از حقوق محکوم‌علیه و خانواده وی می‌باشد.

بر این اساس نیز کنگره ششم سازمان ملل متحد راجع به کاهش مشکلات زندانیان خارجی و بازاجتماعی کردن آن‌ها بحث و بررسی نمود و قطعنامه شماره ۱۳ راجع به انتقال محکومان را صادر نمود که به موجب آن از کشورهای عضو خواسته شده که در جهت انتقال محکومان به حبس، به پیش‌بینی مکانیسم انجام آن پرداخته و البته در این رابطه، انتقال با قبول طرفین قرارداد و نیز رضایت محکوم‌علیه انجام خواهد شد (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۷). در حقوق ایران تا قبل از تصویب قانون موافقت‌نامه انتقال محکومین به حبس بین ایران و آذربایجان مصوب ۵ اردیبهشت ۱۳۷۸، هیچ‌گونه مقرراتی در این مورد وجود نداشت. برابر ماده ۲ این موافقت‌نامه، طرفین موظف‌اند طبق این موافقت‌نامه و بر اساس استعلام از یکدیگر، شخص یا اشخاص محکوم را که مجازات خود را

۱. از ابتدای دولت تدبیر و امید، وزارت دادگستری موفق به انعقاد تعداد ۲۱ فقره موافقت‌نامه شامل ۱۰ موافقت‌نامه انتقال محکومین، ۷ موافقت‌نامه معاضدت قضائی و ۴ موافقت‌نامه استرداد مجرمین با دیگر کشورها شده است. همچنین در خصوص انتقال زندانیان ایرانی و خارجی نیز از سال ۱۳۹۲ تاکنون تعداد ۴۲۶ نفر از اتباع زندانی ایرانی از خارج به داخل کشور و تعداد ۶۱ نفر از زندانیان خارجی نیز به کشور متبوع خود منتقل گردیده‌اند و پیش‌بینی می‌گردد تا پایان شش ماهه اول سال جاری نیز تعداد ۲۵۳ نفر از اتباع خارجی زندانی در ایران جهت سپری نمودن دوره محکومیت خود به کشور متبوع خود منتقل شوند.

۲. در قوانین ما نیز موارد متعددی از جواز عمل به عمل متقابل مشاهده می‌گردد. از جمله مواد ۲۹۱ الی ۲۹۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و نیز مواد ۱۶۹ الی ۱۷۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ را می‌توان نام برد.

در قلمرو حاکمیت کشور صادر کننده حکم طی می‌نمایند، به منظور تحمل بقیه مجازات به کشور اجرا کننده منتقل کند (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۶۵).

پس از ذکر این مقدمه، پژوهش حاضر در سه بخش به رشته تحریر درآمده است. در بخش اول در قالب کلیاتی، به مفهوم‌شناسی، ذکر تاریخچه و اهداف انتقال محکومان به حبس می‌پردازیم. بخش دوم اختصاص به شرایط اجرای این همکاری بین‌المللی دارد و در بخش سوم نیز به بررسی خلأهای تقنینی و اجرایی فراروی انتقال محکومین به حبس در کشور و ارائه راهکارهایی در این خصوص، به نحو تفصیلی می‌پردازیم.

۱. کلیات

در این بخش، کلیاتی از موضوع پژوهش حاضر در قالب مفهوم‌شناسی، تاریخچه و همچنین اهداف انتقال محکومین به حبس تشریح و تبیین می‌گردد.

۱-۱. مفهوم‌شناسی

انتقال محکومین به حبس، متضمن سه واژه مختلف است که بایستی معنی دقیق هر سه واژه تبیین گردد. انتقال در لغت به معنای جابه‌جا شدن و از جایی به جای دیگر رفتن است (معین، ۱۳۷۱: ۳۶۵). محکوم نیز در لغت به معنای مغلوب شده و مورد حکم قرار گرفته شده است (معین، ۱۳۷۱: ۳۹۱۹). همچنین حبس در لغت به معنای زندانی کردن و بازداشتن است (معین، ۱۳۷۱: ۱۳۳۸). در اصطلاح حبس نوعی از مجازات‌های سالب آزادی است که آزادی رفت‌وآمد فرد محکوم با نگهداری وی به طور دائم و یا موقت در مکان‌هایی به نام زندان از وی سلب می‌گردد (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

در این شکل از معاضدت جزایی بین‌المللی، که برخلاف اطلاق عنوان آن، منحصر به انتقال افراد محکوم به کیفرهای سالب آزادی است، شخصی که به دلیل ارتکاب جرمی، در دادگاه‌های یک کشور، محاکمه و محکوم شده است، از این کشور به کشور دیگری که محکوم‌علیه تابعیت آن را دارد، منتقل می‌گردد تا محکومیت خود را در آنجا سپری نماید. به منظور پرهیز از اختلاط این موضوع با موضوع استرداد محکومان، یادآور می‌شویم که در شکل اخیر، شخصی که در کشوری محکومیت یافته اما بنا به دلایلی در آنجا حضور ندارد، از کشوری که محکوم‌علیه در اختیار اوست به کشوری که حکم محکومیت وی را صادر نموده است، مسترد می‌گردد (خالقی، ۱۳۸۳: ۱۷). هم‌سو با نظر حقوق‌دانان محترم، از توجه به مفاد کنوانسیون انتقال محکومین به حبس مصوب ۱۹۸۳ استراسبورگ مشخص می‌گردد که فقط در مورد مجازات‌های سالب آزادی، و به عبارتی حکم بر محکومیت به مجازات حبس، انتقال محکومین انجام می‌گردد.

جهت تبیین و شفاف‌سازی دقیق معنا و مفهوم این نهاد، در این قسمت ضروری است مفهوم دو اصطلاح دیگر نیز تشریح گردد تا مرز بین آن‌ها و مفهوم‌شان مختلط نگردد. این دو مفهوم عبارت از «استرداد مجرمین^۱» و «اخراج^۲» هستند.

استرداد در لغت به معنای در خواست بازگرداندن، بازدهی و بازپس فرستادن آمده است. اصطلاح حقوقی استرداد نیز به معنای واژه آن نزدیک، و عبارت است از اقدام متقابلی که بر اساس آن دولت‌ها افرادی را که به علت ارتکاب جرم، تحت تعقیب مقامات قضایی دولتی قرار گرفته یا محکوم شده‌اند و به قلمرو دولت دیگر فرار کرده‌اند (موافق قواعد و شرایط خاصی) به یکدیگر مسترد می‌دارند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۳۵). در تعریف استرداد به زبان ساده‌تر می‌توان گفت: استرداد عبارت است از تسلیم یک متهم یا یک محکوم کیفری به کشوری که جرم در قلمرو آن، ارتکاب یافته و صالح به محاکمه و مجازات وی می‌باشد (عباسی، ۱۳۷۳: ۱۹).

بدیهی است نباید نهاد «استرداد مجرمین» را که نهادی قدیمی است، با این نهاد نوپا اشتباه گرفت. در قوانین استرداد مجرمین از جمله قانون راجع به استرداد مجرمین ایران مصوب ۱۳۳۹ و همین طور قراردادهای دوجانبه استرداد مجرمین بین دولت‌ها، صحبت از استرداد متهم یا مجرم جهت تعقیب یا تحمل مجازات بر اساس قوانین کشور متقاضی است. در این حالت دولت متقاضی استرداد، بر اساس قوانین کیفری خود، متهم مستردشده را مورد تعقیب، محاکمه و احیاناً مجازات قرار خواهد داد و در مورد مجرم مستردشده هم حکم صادرشده از دادگاه داخلی خود را در مورد او اجرا خواهد کرد. بدیهی است در هر دو حالت، دولت متقاضی استرداد نهایتاً قوانین کیفری خود را اعمال کرده، حکم صادرشده از دادگاه خود را نیز اجرا خواهد کرد، در حالی که در نهاد «انتقال محکومین به حبس» صحبت از اجرای حکم مجازات صادر شده از یک دادگاه خارجی (دادگاه صادرکننده حکم) در کشور متقاضی است، حکمی که بر اساس قوانین کشور دادگاه صادرکننده حکم و توسط دادگاه آن کشور صادر شده است (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۵). از سویی دیگر در نهاد انتقال محکومین، محکوم در کشور محل ارتکاب جرم، مجازات صادره را متحمل می‌شود و کشور مورد تقاضا و متبوع محکوم، محل وقوع جرم نیز نیست و بر اساس هیچ یک از قواعد صلاحیتی، محق برای درخواست استرداد شخص محکوم نمی‌باشد، این در حالیست که در نهاد استرداد، کشور محل وقوع جرم، خواهان استرداد مجرم می‌باشد.

1. Extradition
2. Deportation

از سویی دیگر، «اخراج» در لغت به معنی بیرون کردن است (عمید، ۱۳۶۹: ۱۲۸). در اصطلاح حقوقی، بیرون انداختن یک خارجی از کشور به دلایلی چون: سابقه کیفری، ارتکاب جرم، و یا ورود غیرقانونی به کشور و نداشتن مدارک مهاجرتی یا مدارک تابعیتی در هنگامی که مقامات رسمی کشور حضور فرد را برخلاف منافع ملی تشخیص دهند، را اخراج گویند. اخراج اغلب به کشور مبدأ که شخص تابعیت آن را دارد صورت می‌گیرد (احمدی نژاد، ۱۳۹۱: ۳).

از نظر مبنایی نیز، اخراج به عمل یک‌جانبه دولت اطلاق می‌شود که فرد مجرم خارجی را از قلمرو کشور خود اخراج می‌کند، این در حالی است که استرداد مجرمین عملی است دوجانبه بین کشور فرستنده و کشور متقاضی استرداد بدین معنا که کشور متقاضی استرداد، از کشور فرستنده تقاضای استرداد وی را جهت محاکمه یا مجازات می‌نماید. فلذا از آن جهت که اخراج عمل یک‌جانبه دولت‌هاست، تنها تابع قوانین داخلی و اراده حاکمیت‌هاست. البته این قوانین و تصمیمات حاکمیتی ممکن است تحت تأثیر عرف و عادت بین‌المللی که در این خصوص وجود دارد قرار گیرند. حقوق استرداد مجرمین تابع مواردی از قبیل معاهدات بین‌المللی، قوانین داخلی کشورها، اصول کلی حقوقی، عرف بین‌المللی، شرط معامله متقابل و... است (احمدی نژاد، ۱۳۹۱: ۴). بر این اساس استرداد رابطه بین دو دولت است و اخراج فرمان حاکمیتی یک دولت است (دل افروز و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۶).

۱-۲. تاریخچه

با توجه به آنچه در تاریخ قانون‌گذاری کشور ما ثبت شده است، در تاریخ فعالیت‌های بین‌المللی در حوزه معاضدت قضایی از ابتدایی که عدلیه و دادگستری در کشورمان تأسیس شده تا سال ۱۳۷۶، در مجموع ۴ موافقت‌نامه یا قرارداد معاضدت قضایی ثبت شده است. این ۴ موافقت‌نامه عبارتند از: معاهده استرداد مجرمان و متهمان جرایم که با کشور افغانستان است (مصوب ۱۳۰۷) و بعد استرداد مقصران و تعاون قضایی در امور جزایی و تعاون قضایی که با ترکیه در سال ۱۳۱۶ منعقد شد. معاهده استرداد مقصران که در سال ۱۳۳۹ با پاکستان منعقد و آخرین قراردادی که قبل از انقلاب منعقد شد، مربوط می‌شود به قرارداد استرداد مجرمان با فرانسه که در سال ۱۳۴۲ به تصویب مجلس وقت رسیده است (دل افروز و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۵). پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۷۹ یعنی ۲۲ سال پس از انقلاب اسلامی، تنها ۷ موافقت‌نامه به ۵ موافقت‌نامه قبلی اضافه شده است. اما از آن پس تعداد موافقت‌نامه‌ها افزایش چشمگیری داشته و گزارش شده که جمعاً ۱۱۰ عنوان قرارداد با کشورهای مختلف آماده شده است، که از میان آن‌ها ۲۳ قرارداد مربوط به استرداد مجرمین، ۱۳ قرارداد مربوط به انتقال محکومین و ۱۸ قرارداد مربوط به معاضدت قضایی در امور مدنی و ۱۹ قرارداد معاضدت قضایی در امور کیفری است (شریعت‌باقری، ۱۳۹۳: ۴۲).

هم‌اکنون با ۷۵ کشور جهان سه قرارداد انتقال محکومان به حبس، استرداد مجرمین و معاضدت قضایی در امور مدنی و کیفری داریم. بحث انتقال محکومان با کشورهای آذربایجان، هند، سوریه، عراق، کویت، ترکیه، افغانستان، تایلند، اوکراین، الجزایر، ژاپن، ترکمنستان، پاکستان و ارمنستان اجرایی شده است. انتقال محکومان به حبس با ۲۲ کشور دیگر از جمله قطر، عمان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، بلغارستان، گرجستان، ازبکستان، لبنان، امارات، مالزی، اندونزی، بلاروس، فیلیپین، ایرلند، نیجریه، تانزانیا و برزیل نیز در حال انجام است. هم‌اکنون قرارداد انتقال محکومین به حبس، به کشورهای تایلند، هند، افغانستان، ژاپن، ترکمنستان، چین و قبرس و برخی از کشورها اجرایی شده است و با کشورهای قطر، عمان، لبنان، امارات، مالزی، اندونزی، تاجیکستان، فیلیپین، برزیل، ایرلند، تانزانیا و نیجریه در حال مذاکره هستیم و امیدواریم این توافقات دوجانبه با دیگر کشورها نیز انجام شود (قشقووی، ۱۳۹۵: خبرگزاری صدا و سیما).

۱-۳. اهداف

در مورد انتقال محکومین به حبس، کشور صادرکننده حکم از حق خود در اجرای مجازات صرف نظر کرده، حق اجرای مجازات را به کشور متبوع محکوم‌علیه می‌دهد و این عمل به دلیل فوایدی است که اجرای مجازات حبس در کشور محکوم‌علیه دارد و نیز به دلیل آثار نامطلوب اجرای مجازات حبس علیه اتباع بیگانه است. به هر حال انتقال فرد محکوم به حبس، به کشور متبوع، تحقق اهداف و نتایج انسانی، کیفرشناختی، اقتصادی و... را می‌تواند به دنبال داشته باشد (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۷). با توجه به این فواید، در مقدمه کنوانسیون استراسبورگ به موارد ذیل به طور ضمنی به عنوان اهداف کنوانسیون اشاره شده است؛ توسعه همکاری‌های بین‌المللی در حقوق جزا، همکاری بیشتر در جهت اجرای عدالت، بازاجتماعی کردن محکومین به حبس که این هدف با انتقال زندانیان خارجی به کشور خودشان بهتر تأمین می‌شود (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۶). اما اهداف اصلی را که از مذاقه در متن این موافقت‌نامه‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم می‌توان دریافت، عبارت اند از:

۱-۳-۱. اصلاح محکوم

از آنجا که یکی از اهداف مجازات‌ها اصلاح و تربیت مجرم است و از طرفی نیز اصلاح این افراد برای کشور متبوع‌شان (نسبت به کشور خارجی) سودمندی بیشتری در پی دارد و همین طور اصلاح این افراد در دامن کشور خود بهتر و آسان‌تر صورت می‌پذیرد، لذا با انتقال این افراد به کشورشان به اهداف حاکم بر مجازات‌ها نزدیک تر می‌شویم و بازگشت آن‌ها به اجتماع و جامعه‌پذیری نیز در کشور متبوع‌شان به واقعیت نزدیک‌تر است (پوربافرانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷).

با در نظر گرفتن همین هدف، در مقدمه قانون معاهده انتقال محکومان بین جمهوری اسلامی ایران و اوکراین مصوب ۱۳۷۸، نیز آمده است: «جمهوری اسلامی ایران و اوکراین... با در نظر گرفتن سودمندی اجرای مجازات محکومان در قلمرو کشور متبوع خود و به منظور فراهم آوردن زمینه‌های اصلاح و اعاده آنان به زندگی عادی، نسبت به موارد ذیل توافق کردند...»

۲-۳-۱. احترام به حقوق بشر و در نظر داشتن موازین حقوق انسانی

بدیهی است رعایت بهتر موازین حقوق بشری عنوانی کلی است که موارد جزئی‌تری را نیز در بطن خود دارد، از جمله اینکه به اجرای بهتر عدالت کیفری و اجرای دقیق‌تر اصل شخصی بودن مجازات‌ها کمک می‌کند. فرض کنید خانواده محکومی ایرانی که در کشور تایلند یا مالزی زندانی است، بخواهند که به ملاقات او بروند. اولاً چند ماه یک‌بار این فرصت برای آن‌ها فراهم می‌شود. ثانیاً چه سختی‌هایی که در این راه برای آن‌ها وجود خواهد داشت. در واقع، در این مواقع، اثر مجازات بیش از خود محکوم، خانواده او را متأثر خواهد کرد که با انتقال محکومین به حبس، این توالی فاسد از بین می‌رود (پوربافرانی، ۱۳۹۳: ۸). فلذا ذیل این هدف، تمامی مواردی که متضمن رعایت موازین حقوق بشری و حقوق انسانی نسبت به خود محکوم، خانواده و اطرافیانش می‌باشد، بایستی در نظر گرفته شود.

۳-۳-۱. صرفه‌جویی در منابع مالی

بر اساس آخرین آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای مسئول حدود ۳ هزار ایرانی در زندان‌های کشورهای مختلف جهان در بند هستند و تعداد زندانیان خارجی با احتساب افغان‌ها در زندان‌های ایران حدود ۶ هزار نفر است که بیشتر به دلیل جرایم مواد مخدر و قاچاق محکوم و محبوس شده‌اند.^۱ ضمن اینکه طبق آمارهای آن زمان تعدادی حدود ۱۲-۱۰ نفر از اتباع ایرانی در زندان‌های این کشور محبوس بوده‌اند. اگر آمار زندانیان افغانه را به دلیل وجود مشلات حاکم بر آن کشور استثنا کنیم، در مجموع ۷۴۴ نفر از اتباع خارجی در کشورمان محبوس بوده‌اند. اما تعداد ۳۸۱۸ نفر از ایرانیان نیز در خارج از کشور تحمل کیفر می‌کنند که مشاهده می‌شود تعداد زندانیان ایرانی محبوس در خارج از کشور تقریباً ۴ برابر زندانیان اتباع سایر کشورها در ایران است^۲ (رئیس‌الساداتی، ۱۳۸۲: ۳۸)،

۱. به نقل از خبرگذاری مشرق نیوز، به نشانی اینترنتی <https://www.mashreghnews.ir/news>

۲. بر اساس آمارهای موجود در این منبع، از مجموع ۸۲۹ تبعه بیگانه محبوس در ایران تنها ۱۹۰ نفر (حدود ۲۰ درصد) مرتکب جرایم مواد مخدر شده‌اند و بقیه (حدود ۷۹ درصد) مرتکب سایر جرایم شده‌اند در حالی که حدود نیمی از اتباع ایرانی محبوس در خارج از کشور (۴۵/۸۸ درصد) مرتکب جرایم مواد مخدر شده‌اند، که مقایسه درصد جرم مذکور برای زندانیان ایرانی محبوس در خارج از کشور با درصد میزان همین جرم برای زندانیان داخل کشور نشان

فلذا با عنایت به آمارهای موجود، مشاهده می‌گردد که مهاجرت به دلیل اشتغال، درآمد بیشتر و... باعث بروز مشکلات متعددی برای اتباع ایران گردیده است و عده‌ای به دلیل عدم دستیابی به موفقیت‌های مورد نظرشان در این کشورها، به اقدامات خلاف قانونی در خصوص سرقت، جرایم مواد مخدر و... روی آورده‌اند.

طبق گفته مسئولان قضایی سازمان زندان‌ها در سال ۱۳۸۸، بیشترین اتباع خارجی زندانی در کشور ما، اتباع افغان بوده‌اند که اکثر قریب به اتفاق آن‌ها به صورت غیرمجاز وارد کشور شده و اقامت غیرمجاز دارند. در این سال حدود ۳/۲ درصد زندانیان ما را اتباع خارجی تشکیل می‌دهند که اتباع کشورهای افغانستان، پاکستان و عراق در رأس قرار دارند که البته تعداد زندانیان پاکستانی و عراقی بسیار کمتر از افغانه است. طبق گفته این مسئولان در سال ۱۳۸۸ بیشتر از ۴۰۰۰۰ افغانستانی و بیش از ۱۰۰ تبعه عراق و پاکستانی در ایران محبوس بوده‌اند که قاچاق و حمل مواد مخدر، عمده جرایم ارتكابی اتباع کشورهای افغانستان و پاکستان و اقدام علیه امنیت ملی، اقامت و عبور و مرور غیرمجاز، جرایم علیه اشخاص و جاسوسی از جرایم ارتكابی سایر زندانیان خارجی است. (قربان‌پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶) از سویی دیگر مطابق آمارهای ارائه‌گردیده در سال ۱۳۹۶ دولت برای تأمین امنیت، آب، برق، گاز، خوراک، پوشاک، بهداشت و... هر زندانی، روزانه حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار ریال هزینه می‌کند که در ماه بالغ بر ۴۵ میلیون ریال است و سالانه مبلغی در حدود ۵۳ میلیون تومان هزینه نموده است.^۱

با این اوصاف همان‌گونه که به وضوح مشخص می‌گردد، نگهداری محکومین در کشورهای دیگر جهت سپری نمودن محکومیت حبس خود، اقدامی پرهزینه و بدون سودمندی (به جهت اینکه تبعه آن کشور نبوده و اجرای مجازات برای آنان سودمندی نخواهد داشت) برای این کشورها است. فلذا از منظر محاسبات و تحلیل‌های اقتصادی، بسیار سودمند است که کشورها پس از صدور حکم محکومیت عاملان بروز جرم و ناامنی در جوامع خود، آن‌ها را جهت سپری نمودن دوران محکومیت به کشور متبوع شان تحویل دهند.

۲. ضوابط انتقال محکومین به حبس

تعیین شرایط انتقال محکومین به حبس و احکام و مقررات آن، موضوعی قراردادی است که به اراده و توافق طرفین قرارداد بستگی دارد و معمولاً دولت‌ها با توجه به منافع، نیازها و مقتضیات

می‌دهد که تعداد مرتکبین ایرانی و بیگانه این جرم تقریباً برابر است. ۴۷/۶ درصد از کل زندانیان کشور مرتکب سایر جرایم شده‌اند.

۱. به نقل از خبرگذاری تابناک، به نشانی اینترنتی <https://www.tabnak.ir/fa/news>

سیاسی، اجتماعی و حقوقی خود این شرایط را تعیین می‌کنند و الزاماً در تمامی قراردادها، شرایط و احکام و مقررات مربوط، یکسان و یکنواخت نیست. البته در کنوانسیون استراسبورگ، به دلیل چندجانبه بودن، مقررات آن برای تمامی دولت‌های عضو لازم‌الاجرا است، مگر اینکه کشوری از کنوانسیون خارج گردد که در این صورت به استناد ماده ۲۳ کنوانسیون، این کناره‌گیری سه ماه بعد از تاریخ وصول کتبی به دبیر کل شورای اروپا مؤثر خواهد بود. در بند ۳ ماده ۱ این کنوانسیون، شش شرط برای انتقال ذکر شده است.

جهت شفاف‌سازی موضوع، در ذیل به‌نحو مختصر، طی دو قسمت در خصوص هر یک از این شرایط شش‌گانه ماهوی و همچنین شرایط و تشریفات شکلی این امر توضیحاتی ارائه می‌گردد.

۲-۱. شرایط ماهوی

اولین شرط مذکور در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون استراسبورگ، واجد عنوان مجرمانه بودن عمل مرتکب در هر دو کشور صادرکننده و اجراکننده حکم است. بر این اساس، کشوری که محکوم‌علیه به آنجا جهت سپری نمودن بقیه مدت محکومیت حبس خود منتقل می‌شود، بایستی عمل منجر به محکومیت را به موجب قوانین خود جرم شناخته باشد.

شرط «مجرمیت مضاعف یا متقابل»^۱ باید رعایت گردد، فلذا برای تحقق این شرط کافی است که عمل مرتکب در هر دو کشور جرم و قابل مجازات باشد و لازم نیست که عنوان مجرمانه واحدی هم برای عمل مزبور در قوانین دو کشور وجود داشته باشد. پس اگر عمل مرتکب در یکی از دو کشور خیانت در امانت و در کشور دیگر تصرف غیر قانونی در اموال عمومی تلقی شود، شرط مورد بحث تحقق یافته است (خالقی، ۱۳۸۳: ۱۹).

همچنین با عنایت به اینکه مقصود از انتقال محکوم‌علیه به کشور متبوع‌اش، اجرای مجازات وی می‌باشد، فلذا مقدمه و پیش‌فرض ضروری این امر، قطعیت حکم محکومیت متهم در کشور صادرکننده و شروع به اجرای آن نمودن است.

از سویی دیگر با عنایت به اینکه انتقال محکوم‌علیه از کشوری به کشور متبوع‌اش، متضمن هزینه‌های بسیاری برای طرفین است، فلذا بایستی مجازات حبس وی نیز کوتاه مدت نباشد. بر این اساس است که بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون استراسبورگ، در بیان شرایط ماهوی انتقال، باقی ماندن حداقل ۶ ماه از محکومیت به حبس فرد محکوم را مقرر نموده است. فلسفه این مقرر این است که در محکومیت به مجازات حبس کوتاه‌مدت، با توجه به هزینه‌های بالا و از طرفی غیرمهم بودن

1. Double criminality

محکومیت با توجه به مدت کوتاه حکم به مجازات حبس صادره، انتقال محکوم علیه از کشوری به کشور دیگر از لحاظ عقلایی و ملاحظات اقتصادی به صرفه به نظر نمی‌رسد.

یکی از شرایط مهم دیگر انتقال محکومین به حبس آن است که محکوم دارای تابعیت کشور اجراکننده باشد. در غیر این صورت انتقال محکومین به حبس صورت نخواهد گرفت. حتی اگر متهم، خود هم، چنین تقاضایی داشته باشد، به آن توجهی نخواهد شد. به عبارت دیگر، محکوم صرفاً به کشور متبوع خود قابل انتقال است و لاغیر. با عنایت به سوءاستفاده‌ها و غرض‌ورزی‌هایی که ممکن است نسبت به انتقال محکومان به کشورهای دیگر صورت پذیرد و جهت حفظ حقوق محکومان، این شرط بسیار مهم و کاربردی به نظر می‌رسد.

همچنین بایستی برای انتقال افراد محکوم به حبس این افراد باید از کشوری که در آن به حبس محکوم شده‌اند درخواست انتقال دهند و یا اینکه با در نظر گرفتن وضعیت جسمانی و روانی آن‌ها، اقارب یا نماینده قانونی آن‌ها، خواستار انتقال‌شان باشند و از کشور صادرکننده حکم درخواست انتقال او را کنند. منظور از اقارب در اینجا اشخاصی هستند که طبق قوانین داخلی یکی از طرفین، با شخص محکوم، قرابت (اعم از نسبی یا سببی) داشته باشند (پوربافرانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱). البته نکته‌ای که در خصوص این شرط به نظر می‌رسد این است که ممکن است در مواردی، فرد محکوم به دلایل متعددی (از قبیل ارتکاب جرایم دیگری در کشور متبوع اش یا...) رضایت به انتقال به کشور متبوع‌اش را نداشته باشد ولیکن کشور متبوع، به دلیل ملاحظات امنیتی یا قضایی یا... خواستار انتقال وی به کشورش باشند. به نظر می‌رسد در این موارد، انتقال فرد محکوم از طریق مکانیسم انتقال محکومان به حبس صورت نمی‌پذیرد و می‌توان از طریق مکانیسم‌های دیگری از جمله استرداد مجرمین یا غیره (با توجه به شرایط و وضعیت موردی پرونده) عمل انتقال فرد به کشور متبوع‌اش را انجام داد.

همچنین با عنایت به اینکه ضرر و زیان ناشی از جرم، از حقوق مسلم بزه‌دیده می‌باشد و بایستی تأمین یا پرداخت گردد، فلذا عدم پرداخت یا تأمین این خسارات و انتقال محکوم علیه به کشوری دیگر، خلاف موازین انصاف و عدالت می‌باشد. در این راستا و با توجه به اهمیت این موضع است که بند ۶ ماده ۵ معاهده بین ایران و اوکراین و بند ۱-۶ ماده ۳ قانون موافقت‌نامه بین ایران و آذربایجان این شرط را این‌گونه تبیین نموده‌اند که «ضرر و زیان مادی ناشی از جرم باید تأمین یا پرداخت شده باشد.»

آخرین شرط مذکور در بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون استراسبورگ، موافقت دولت‌های صادرکننده و اجراکننده مجازات با انتقال محکوم به مجازات حبس است. به نظر می‌رسد فلسفه وجودی این شرط ملاحظات خاص ناظر بر موضوع باشد. از جمله اینکه مثلاً کشور صادرکننده، احتمال قوی بدهد که دول اجراکننده با این انتقال، قصد رها کردن محکوم از تحمل مجازات قانونی را دارد یا اینکه مثلاً کشور

اجراکننده، حضور مجرم را بنا به جهاتی مخالف ملاحظات امنیتی خود بداند. به‌رحال این بند صرفاً ناظر بر این ملاحظات خاص بوده، دست دولت‌ها را برای در نظر گرفتن این ملاحظات باز می‌گذارد (پوربافرانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳).

بر این اساس است که بند ۷ ماده ۴ قانون معاهده انتقال محکومان بین ایران و اوکراین و نیز بند ۱-۷ ماده ۳ قانون موافقت‌نامه محکومین به حبس بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان، بدین نحو به لزوم این شرط تصریح کرده‌اند: «دولت‌های صادرکننده و اجراکننده با انتقال محکوم موافق کرده باشند.»

۲-۲. تشریفات و شرایط شکلی

اصولاً انتقال محکومان به حبس، مستلزم توافق دو دولت طرف قرارداد در هر مورد خاص است و وجود موافقت‌نامه انتقال، آن‌ها را ملزم به قبول انتقال در همه شرایط نمی‌سازد. بنابراین ممکن است دولت صادرکننده حکم به دلیل بیم احتمال برخورداری محکوم‌علیه از مساعدت‌های غیرقابل‌توجیه در کشور خود از انتقال وی خودداری نماید و یا دولت اجراکننده حکم به دلیل ملاحظات مربوط به نحوه اداره زندان و طبقه‌بندی محکومان تمایلی به این انتقال نداشته باشد. درخواست کتبی انتقال ممکن است توسط هر یک از طرفین به طرف دیگر ارائه گردد و محدودیتی از نظر لزوم تقاضای یکی از آن‌ها بر دیگری وجود ندارد. به ضمیمه این درخواست باید مدارک لازم جهت اثبات شرایط ماهوی انتقال محکوم‌علیه که قبلاً به آن‌ها اشاره شد، نیز ارسال گردد (خالقی، ۱۳۸۳: ۲۱). درخواست‌های همکاری قضایی لزوماً می‌بایست مطابق دستورالعمل صادره از سوی ریاست محترم قوه قضائیه به شماره ۹۰۰۰/۱۳۱۸۰/۱۰۰ مورخ ۹۲/۳/۱۲ تنظیم شود. دستورالعمل مزبور در ۱۷ ماده و دو تبصره تنظیم و به کلیه دادگستری‌های کل استان‌ها ابلاغ شده است که جهت جلوگیری از اطاله کلام، خوانندگان محترم را به مطالعه این دستورالعمل توصیه می‌نمایم.

۳. خلأها و راهکارهای توسعه نهاد «انتقال محکومین به حبس»

انتقال محکومین جهت تحمل مجازات حبس از کشوری به کشور دیگر، علی‌رغم دارا بودن مزیت‌های فراوان، دارای خلأها و موانعی نیز می‌باشند که در این قسمت و در دو مبحث مجزا، بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

۳-۱. موانع و خلأهای انتقال محکومین به حبس

با بررسی تمامی موانع و مشکلات فراروی انتقال محکومین به حبس در کشورمان، به طور کلی می‌توان این خلأها و مشکلات را در حوزه تقنینی و اجرایی ریشه‌یابی کرد که در این قسمت و در دو بخش مجزا مورد بررسی و تبیین قرار خواهند گرفت.

۳-۱-۱. خلأهای تقنینی

همان گونه که گفته شد، انجام همکاری‌های قضایی بین‌المللی بین کشور ما و سایر کشورها، به‌طور معمول بر مبنای معاهدات چندجانبه بین‌المللی، معاهدات دوجانبه و یا عمل متقابل صورت می‌گیرد. در مواردی که معاهدات دو یا چندجانبه بین‌المللی وجود ندارد و یا با سکوت، ابهام و نقص مواجه است، رفتار متقابل اعم از قضایی، سیاسی یا تقنینی راهکار انجام همکاری‌های قضایی بین‌المللی است. بهترین راه برای انجام رفتار متقابل، داشتن قوانین و مقررات داخلی است که محدوده همکاری‌های قضایی بین‌المللی، شرایط و ترتیبات اجرا و اختیارات و تکالیف نهادهای ذی‌ربط را مشخص سازد که در این راستا در قوانین و مقررات کشورمان، «قانون تعاون قضایی مصوب ۱۳۰۹» در قالب یک ماده‌واحد، «قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۴» در قالب ۲۶ ماده و «قانون راجع به تعقیب جزایی مجرمین فراری از مناطق سرحدی مجاور ایران»، مصوب ۱۳۱۳/۵/۱۷ در قالب ۲ ماده به تصویب رسیده است. با توجه به نسبتاً قدیمی بودن قوانین مدونه در خصوص انتقال محکومین در کشور و پاسخ‌گو نبودن به مقتضیات روز انتقال محکومین به حبس از کشوری به کشور ما یا بالعکس، نیاز به تدوین قوانین جدید یا اصلاح قوانین و مقررات سنتی داخلی، هم‌سو با پدیده‌های نوظهور بین‌المللی بسیار ملموس است.

در کنار مشکلات و خلأهای تقنینی، موانع اجرایی انتقال محکومین به حبس، بسیار پررنگ‌تر و بارزتر است، که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

۳-۱-۲. خلأهای اجرایی

اگرچه گسترش موافقت‌نامه‌های انتقال به‌طور واضح برای برخی یا حتی بیشتر زندانیان خارجی مفید می‌باشد، اما با وجود این چنین موافقت‌نامه‌هایی به تنهایی نمی‌تواند همه مسائلی و مشکلات مربوطه را حل نماید. همیشه به دلایل مختلف قانونی و... یک دوره زمانی قبل از اینکه شخص بتواند منتقل شود، وجود دارد و علاوه بر آن تعداد معینی از زندانیان خارجی مایل به انتقال نیستند. توافق انتقال نیز میان دو کشور در همه موارد صورت نمی‌گیرد و سرانجام اینکه شمار نسبتاً کمی از کشورها هم‌اکنون موظف به انتقال محکومان به حبس از طریق موافقت‌نامه‌ها و معاهدات هستند. بنابراین اگرچه انتقال محکومان به مجازات حبس، یک ابزار بسیار مطلوب می‌باشد، اما یک راه حل عمومی و جامع نمی‌باشد. به دلیل آنکه شمار زیادی از مجرمان خارجی به‌طور غیرقابل اجتنابی بر عملکرد نظام عدالت کیفری و مؤسسات اصلاح و تربیت، تأثیر می‌گذارند، تلاش‌هایی باید صورت پذیرد که اوضاع و شرایط زندان‌هایی را که مجرمان خارجی در آن‌ها محبوس هستند و نیز رفتار با زندانیان را

بهبود بخشیده و تعدیل و اصلاح نماید^۱. اقدامات قانونی و عملی باید اتخاذ گردد در جهت ایجاد یک سیستم زندان که در آن خصوصیات زبانی، فرهنگی و دیگر خصوصیات مجرمین خارجی کاملاً به رسمیت شناخته شود و ابزارهای مختلف برای بازاجتماعی کردن این گروه از مجرمان مورد استفاده قرار گیرد (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۰).

علاوه بر این بخشی از موانع انتقال محکومان در ایران مربوط به رایزنی‌های دیپلماسی است و بخشی دیگر به این موضوع برمی‌گردد که چون اتباع زندانی ما در کشورهایی که اتباع زندانی در ایران دارند، بسیار کم است، مسئولان آن کشورها انگیزه‌ای برای انتقال محکومان به حبس ندارند. به طور مثال اگر بخواهیم این موافقت‌نامه را با کشور افغانستان امضا کنیم، چون تعداد اتباع زندانی ما در این کشور اندک است، باید کمتر از ۵ نفر را تحویل بگیریم و در مقابل ۴۰۰۰ نفر را تحویل بدهیم (عباس نژاد لکی، ۱۳۹۰: ۳۹).

اما در مقایسه با مزایا و آثار مثبت انتقال محکومین، این خلأها و نواقص با هماهنگی‌ها و قانون‌گذاری‌های دقیق‌تر قابل حل به نظر می‌رسد.

۳-۲. راهکارهای توسعه انتقال محکومین به حبس

بی‌شک علت و فلسفه اصلی ایجاد مکانیسم انتقال محکومان را باید در شرایط و وضعیت نامناسب زندانیانی جست‌وجو کرد که در کشور بیگانه به مجازات حبس محکوم شده‌اند و بی‌تردید بیش از اینکه دولت‌ها قصد استفاده از دیگر مزایای این طرح را داشته باشند، نگرانی آن‌ها از وضعیت ناعادلانه و دشوار اتباع خود در زندان‌های کشورهای دیگر، موجب گسترش و فراگیری این موضوع شده است. موقعیت و شرایط سخت مجرمان خارجی، مسائل و مشکلاتی که در طی تحمل دوران حبس در خارج از وطن با آن روبه‌رو می‌گردند و رفتار کارکنان زندان با آن‌ها، همگی احتیاج به بهبود دارند (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۹). از سویی دیگر، هدف از این همکاری، فراهم نمودن امکان بازاجتماعی شدن محکوم‌علیه و کمک به اصلاح اوست. کسی که در یک کشور خارجی زندانی می‌شود، باید دوره محکومیت خود را در کنار زندانیانی سپری نماید که از نظر تابعیت، زبان، فرهنگ، آداب و عادات اجتماعی وجه اشتراکی با او ندارند. این اختلاف، مانع بزرگی در برقراری ارتباط زندانی با محیط پیرامون اوست و با تشدید رنج مجازات، آن را ناعادلانه ساخته و سازگاری اجتماعی وی را به مخاطره می‌افکند. به علاوه، دوری زندان از محل سکونت خانواده و بستگان زندانی که معمولاً در کشور خود اقامت دارند

۱. اقدامات و تلاش‌های داخلی و بین‌المللی در این خصوص صورت پذیرفته است که از جمله می‌توان از حداقل قواعد استاندارد رفتار با زندانیان در کنگره اول ملل متحد راجع به جلوگیری از جرم و رفتار با مجرمان در سال ۱۹۵۵ نام برد.

و اخذ رواید و طی مسافتی طولانی برای آن‌ها غیرممکن یا دشوار است، امکان ملاقات زندانی با نزدیکانش را نیز از او سلب می‌کند. بدیهی است که در چنین شرایطی، اجرای مجازات تأثیر نامطلوبی بر روحیه زندانی و افراد خانواده او بر جای می‌گذارد (خالقی، ۱۳۸۳: ۱۸).

بر اساس این موافقت‌نامه‌ها ایران ملزم می‌شود که اتباع خارجی را که توسط دادگاه‌های ایران محاکمه و به مجازات حبس محکوم شده‌اند، برای ادامه تحمل مجازات حبس به کشور متبوع آن‌ها تحویل دهد. از طرفی به این حق هم دست می‌یابد که اگر اتباع جمهوری اسلامی ایران در کشورهای خارجی به تحمل حبس محکوم شده باشند، آن‌ها را برای ادامه تحمل مجازات شان به ایران بیاورد. به نظر مهم‌ترین دلیل کشورها جهت اصل عدم اعتباربخشی به احکام کیفری خارجی، حفظ قدرت و حاکمیت ملی دولت‌ها است. با این وصف و با توجه به اینکه اغلب دعاوی کیفری با نظم عمومی جامعه ارتباط مستقیمی دارند، ارتباط تنگاتنگی بین اقتدار و حاکمیت دولت‌ها در برقراری نظم عمومی و رسیدگی به دعاوی کیفری که اغلب باعث برهم خوردن نظم و آرامش عمومی می‌گردند، وجود دارد (حاجی زاده، ۱۳۹۵: ۴۷). بنابراین اجرای احکام کیفری خارجی، با توجه به اینکه اجرای این آرا مستلزم استفاده از قوه قهریه و قوای دولتی است، فلذا اصل بر این می‌باشد که موجب لطمه به حاکمیت و اقتدار دولت اجراکننده رأی است.

اگرچه به طور سنتی در اعمال اصل صلاحیت سرزمینی به تابعیت مرتکب توجه نمی‌شود، اما در اجرای مجازات ناشی از آن نمی‌توان تابعیت مرتکب را یکسره به فراموشی سپرد. یک ایرانی که به دلیل ارتکاب جرمی در خارج از کشور و در اجرای قانون سرزمینی به مجازات زندان محکوم می‌شود، باید مدت محکومیت خود را در یکی از زندان‌های کشور خارجی سپری نماید. در این مدت او در یک کشور خارجی و در میان کسانی زندانی است که نه هم‌وطن او هستند و نه هم‌زبان او، و حتی ممکن است که وی با زبان آن‌ها اصلاً آشنا نباشد. خانواده و بستگان چنین شخصی نیز اصولاً در کشور خود ساکن هستند، بنابراین نه امکان ملاقات با وی در زندان را دارند و نه اعطای مرخصی به او به دلیل خطرات آن مورد موافقت قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، انتقال محکوم علیه به ایران برای تحمل بقیه مدت مجازات خود راه حلی است که می‌تواند از بروز آثار نامطلوب مشکلات فوق بر زندانی و خانواده‌اش جلوگیری نماید. اما این اقدام انسانی، عدالت کیفری را با مانع بزرگی به نام قاعده عدم اجرای احکام کیفری خارجی روبه‌رو می‌سازد، قاعده‌ای که اصولاً اجرای حکم قضایی بیگانه در امور کیفری را منع می‌کند (خالقی، ۱۳۸۳: ۱۶). در کشور ما نیز، اصل بر عدم شناسایی آثار احکام کیفری بیگانه است و خلاف آن امری استثنایی و نیازمند تصریح

قانون‌گذار است. فلذا قراردادهای انتقال محکومان به حبس، بر این اصل استثنای مهمی وارد می‌آورد و سبب شناسایی آثار حکم کیفری مورد اجرا در کشور اجراکننده می‌شود (خالقی، ۱۳۸۳: ۲۹).

در نهایت با توجه به مطالب پیش‌گفته بایستی عنوان نمود که با توجه به فواید قابل توجه انتقال محکومان به مجازات حبس، باید در این راستا اقداماتی فراتر از انعقاد چند موافقت‌نامه انجام گیرد، زیرا از یک‌سو هرچند ممکن است مهاجرت اتباع ایرانی به برخی کشورها و نیز مهاجرت اتباع برخی کشورها به کشورمان بیشتر از سایر کشورها باشد و این مسئله به عنوان معیار انتخاب کشورها جهت معاضدت قضایی مدنظر قرار گیرد. اما با این حال نباید از این موضوع غافل شد که این مسئله استفاده از ابزار انتقال محکومان به حبس را در مورد سایر کشورها نفی نمی‌کند و همان‌طور که قبلاً ذکر گردید آثار مفید انتقال به اندازه‌ای اهمیت دارد تا در مواردی نیز که آمار زندانیان پایین می‌باشد، آن را به کار گرفت. چنانچه که در عمل کشورهای پیشرفته از چند دهه گذشته این نکته را مدنظر قرار داده‌اند و با پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی و نیز انعقاد معاهدات دوجانبه در این جهت حرکت نموده‌اند. البته مسئله‌ای که باید در این جا به آن اشاره نمود این است که هرچند در زمینه انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه با برخی کشورها به دلیل پایین بودن سطح روابط سیاسی ایران با آن کشورها، محدودیت‌هایی وجود دارد اما در مورد سایر کشورها به نظر می‌رسد که عدم انعقاد موافقت‌نامه بیشتر ناشی از کم‌توجهی و یا بی‌اطلاعی دولت، به دلایلی، نسبت به قواعد انتقال محکومان به مجازات حبس، بوده است که البته خوشبختانه در سال‌های اخیر اقدامات خوبی صورت گرفته که امید آن است رو به افزایش باشد (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۰).

همچنین نقص قوانین و مقررات موجود به ویژه در حوزه انتقال محکومان، معاضدت قضایی کیفری، فقدان ساختار و آیین دادرسی و رویه‌های اداری یکسان در خصوص همکاری‌های قضایی بین‌المللی، یکی از مشکلات و خلأهای پیش‌روی این نهاد است، فلذا تدوین لایحه‌ای جامع در این خصوص، با امعان نظر به رفع تمامی مشکلات ساختاری و اجرایی، امری ضروری است. همچنین انجام اقداماتی نظیر به‌روزرسانی، یکپارچه‌سازی و بازنگری در قوانین و مقررات موجود، رفع خلأهای موجود در قوانین، اجرایی شدن برخی تعهدات دولت ایران بر اساس معاهدات بین‌المللی که مورد تصویب جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است، فراهم کردن امکان حمایت از اتباع ایرانی، پیشگیری از مداخلات سیاسی بین‌المللی در امور قضایی فراملی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران و... بسیار ضروری و راهگشاست. در این راستا نیز لایحه‌ای تحت عنوان «لایحه همکاری‌های قضایی بین‌المللی» در مجلس قانون‌گذاری در دست تدوین است که لایحه مذکور در ۷ فصل و ۱۵۳ ماده تدوین یافته است.

نتیجه

انتقال محکومین به حبس، یکی از ابزارهای معاضدت بین‌المللی در امور کیفری است که از دیرباز به موجب قراردادهای دو یا چندجانبه در روابط میان کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفته است. به عبارت دیگر انتقال محکومین به حبس، فرآیندی است که مستلزم تعاون قضایی بین‌المللی بوده و اجرای موفق آن می‌تواند ضامن عدالت قضایی و حمایت هر چه بیشتر کشورها از اتباع خود باشد. فلذا به منظور رفع مشکلات و موانع موجود در راه انتقال محکومین به حبس، ضروری است ناهماهنگی‌ها و موانع مربوطه شناسایی و مجموع عواملی که موجب شده که انتقال محکومان در کشورمان محجور بماند یا به سختی انجام گردد، مشخص و راهکارهای رفع این مشکلات مشخص شود.

مطابق با مفاد کنوانسیون استراسبورگ مصوب ۱۹۸۳ و همچنین قانون نمونه سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۸۵ در خصوص انتقال محکومان به حبس، شرایطی در این خصوص تبیین گردیده است که در موافقت‌نامه‌های بین ایران و سایر کشورها از جمله آذربایجان، اوکراین و... نیز این شرایط را می‌توان دید. از جمله این شرایط می‌توان به واجد عنوان مجرمانه بودن عمل مرتکب در هر دو کشور صادرکننده و اجراکننده حکم، قطعیت حکم محکومیت در کشور صادرکننده، باقی ماندن حداقل شش ماه از مدت مجازات، لزوم دارا بودن تابعیت کشور اجراکننده رأی برای محکوم، موافقت محکوم‌علیه با انتقال خود، تأمین یا پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم و موافقت دولت‌های صادرکننده و اجراکننده مجازات با انتقال محکوم اشاره کرد.

همان گونه که در مبحث مربوط به تاریخچه انتقال محکومان به حبس بیان گردید، در ایران تلاش‌های خوبی به خصوص در سال‌های اخیر در زمینه انتقال محکومان صورت گرفته است و با بسیاری از کشورهایی که در این زمینه از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند، موافقت‌نامه‌های همکاری منعقد شده و به مرحله اجرا درآمده است و یا اینکه در آینده نزدیک لازم‌الاجرا می‌گردند. اما با این حال در مورد برخی دیگر از کشورها از قبیل امارات متحده عربی، بحرین، پاکستان، ژاپن و... اقدام قابل توجهی صورت نگرفته است. از مشکلات فراروی نهاد انتقال محکومین به حبس، می‌توان به روز نبودن قوانین و مقررات موجود، خلأهای تقنینی، عدم هماهنگی بین نهادها و کشورهای مختلف و در نهایت مشکلات و موانع اجرایی اشاره نمود.

با عنایت به مطالب پیش گفته در این پژوهش، پیشنهادات ذیل جهت ارتقای هر چه بیشتر این نهاد و رفع خلأهای موجود، ضروری به نظر می‌رسد؛

- انجام تحقیقات و مطالعات بیشتر در خصوص موضوع پژوهش حاضر با بررسی‌های تطبیقی با کشورهای که در این زمینه موفقیت داشته‌اند.
- تدوین لایحه‌ای جامع در خصوص انواع همکاری‌های بین‌المللی قضایی و به ویژه انتقال محکومین به حبس.
- لزوم ایجاد یک نهاد نظارتی جهت بررسی عملکرد نهادهای ذی‌ربط در امر انتقال محکومین به مجازات حبس و شناسایی خلأهای موجود در این زمینه.
- عضویت در کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همکاری هر چه بیشتر کشورمان در همکاری‌های قضایی بین‌المللی جهت حمایت هر چه بیشتر از حقوق تبعه خود.
- ایجاد یک شعبه ویژه در خصوص امور بین‌الملل (اموری از قبیل انتقال محکومان، استرداد مجرمان و...) در قوه قضائیه جهت ایجاد رویه واحد قضایی.

منابع

فارسی

- احمدی نژاد، مریم (۱۳۹۱)، «موانع استرداد و اخراج مجرمین در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱.
- اردییلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، حقوق کیفری بین الملل، تهران: انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.
- اردییلی، محمدعلی (۱۳۹۵)، حقوق جزای عمومی، ج ۴۰، دوم، تهران: انتشارات میزان.
- پوربافرانی، حسن، احسان اکبری فرد و حسن بدری (۱۳۹۳)، «انتقال محکومین به حبس در موافقت نامه‌های بین‌المللی با نگاهی به مبانی فقهی»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال اول، شماره اول.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۳)، حقوق جزای بین‌الملل، ج ۷، تهران: انتشارات جنگل.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۹)، ترمینولوژی حقوقی، ج ۳۲، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حاجی زاده، نازنین (۱۳۹۵)، هزینه‌های دادرسی در امور کیفری و دادرسی منصفانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- دل افروز، مصطفی و فروزان لطفی (۱۳۹۷)، «استرداد مجرمین در نظام‌های حقوقی ایران، کانادا و حقوق بین‌الملل»، فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار، دوره دوم، شماره هشتم.
- رئیس‌الساداتی، سیدعلی (۱۳۸۲)، «تجربه‌ای موفق، تحلیلی بر قانون موافقت‌نامه انتقال محکومین (زندانیان) جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان»، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال دوم، شماره ۵.
- سلطانی، فخرالدین، جمیل حسن پور و هادی کرامتی معز (۱۳۹۶)، «جایگاه و آثار انتقال محکومان در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۷.
- شایگان فرد، مجید، فاطمه ساجدی و محمد بخشی محبی (۱۳۹۷)، «رویه جاری در معاضدت قضایی و نقش اینترپل در تحقیقات مقدماتی»، کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان، مؤسسه آموزش عالی علامه خویی، دوره ۱.
- شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۳)، «تصویب موافقت‌نامه‌های همکاری‌های قضایی بین‌المللی؛ مشکلات و راه حل‌ها»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، شماره ۶۶.
- طعمی، جواد و مالک ذوالقدر (۱۳۹۴)، «انتقال محکومین و استرداد مجرمین بین دولت‌ها»، کنفرانس ملی چهار سوی علوم انسانی، شیراز.
- عباس نژاد لکی، بهنام (۱۳۹۰)، انتقال محکومان؛ موافقت‌نامه‌ها و شرایط آن بین ایران و کشورهای همسایه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- عباسی، محمود (۱۳۷۳)، «نقش اینترپول در استرداد مجرمین»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰.
- عباسی، محمود (۱۳۷۳)، استرداد مجرمین، تهران: انتشارات گنج دانش.
- عمید، حسن (۱۳۶۹)، فرهنگ عمید، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- قربان پو محمد و سهیلا حامد (۱۳۸۸)؛ «انعقاد معاهدات معاضدت قضایی در نظام حقوق ایران، تقابل یا هم‌سازی نظام حقوقی بین‌المللی با نظام حقوق داخلی ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۵.

- قشقای، حسن (۱۳۹۵)، مصاحبه با معاون کنسولی، امور مجلس و ایرانیان وزارت امور خارجه، خبرگزاری صداوسیما، ۱۴ مهر ۱۳۹۵، کد خبر: ۱۳۲۳۲۹۵.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، چاپ ۸، ج ۱ و ۳، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نوربها، رضا (۱۳۹۳)، حقوق کیفری بین الملل، ج ۲۲، تهران: گنج دانش.